(Gawhar-i Guya), Vol. 13, No. 2 (Sequential 41). Summer 2019

Nomenclature Patterns and the Structure of the Titles in Mystical Texts

Mohammad Nabi Kheirabadi[*]
Abolghasem Rahimi[**]
Abbas Mohammadian[***]

Abstract

To understand the position of the text and the relationship with the world inside the work, the selected title is an important tool for the initial judgment for critique and analysis of the text. Thus, the implication of title to the text and the text to the title is a bilateral implication. However, sometimes due to the existence of meta-textual components in the titles, a bilateral implication is tarnished; therefore, identifying the dominant principles and patterns on the implications is one of the objectives of this research. This paper analyzed the semiotics and patterns in the nomenclature of mystical prose and verse books from various aspects, emphasizing the fact that selecting a title entails the involvement of components such as topic, temporal situation of text production, and the aesthetic aspects. In this paper, we investigated the dominant patterns in nomenclature of mystical works in terms of linguistic, rhetorical, and semantic aspects and the effective factors in this nomenclature by selecting 100 mystical prose and verse books. Based on the findings of this study, the dominant linguistic model is the additional combination appropriate for the metaphorical expression that is most used in these texts. Also, internal factors and content have the most effect on the choice of titles, and while using words with emotional and ideological load, the use of terms related to pre-Islamic culture and rituals has a special place in mystical texts. Finally, the title roles in the mystical texts and the pathology of the difficulties in selecting the titles are mentioned.

Keywords

Nomenclature Patterns, Nomenclature of Mystical Books, Intratextual Components, Intertextual Components, Title Roles, Pathology of titles

[*] Ph.D Candidate of Persian Language and Literature Persian, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

[**] Assistant Professor of Persian Language and Literature Persian, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

[***] Associated Professor Persian Language and Literature Persian, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

نشریهٔ علمی
پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)
سال سیزدهم، شماره دوم، پیاپی ٤١، تابستان ١٣٩٨ صص ٩٤- ٦٥
Doi: 10.22108/jpll.2020.115467.1337

الگوهای نامگذاری و ساختار عنوان‌ها در متون عرفانی

محمدنبی خیرآبادی*- ابوالقاسم رحیمی- عباس محمدیان*****

چکیده

برای شناخت موقعیت و جایگاه متن و ارتباط با دنیای درون اثر، عنوان انتخاب‌شده، یکی از ابزارهای مهم برای ارزیابی اولیه و نقد و تحلیل متن است؛ ازاین‌رو دلالت «عنوان به متن» و «متن به عنوان» بیشتر یک دلالت دوسویه است؛ البته گاه این دلالت دوسویه به‌سبب وجود عوامل فرامتنی در عنوان‌ها خدشه‌دار می‌شود؛ ازاین‌رو شناخت اصول و الگوهای حاکم بر این دلالت ها یکی از اهداف این پژوهش است. این مقاله الگوهای به‌کاررفته در نامگذاری کتاب‌های نظم و نثر عرفانی را از جنبه‌های مختلف بررسی و تحلیل می‌کند؛ البته با تأکید بر این نکته که در انتخاب یک عنوان، عواملی ازقبیل موضوع، شرایط زمانیِ تولید متن و جنبه های زیبایی شناسی دخیل است. در این مقاله با انتخاب حدود صد اثر نظم و نثر عرفانی به شناخت الگوهای حاکم بر نامگذاری آثار عرفانی ازنظر زبانی، بلاغی و معنایی و عوامل مؤثر در این نامگذاری‌ها پرداخته شود. براساس یافته‌های این پژوهش، ترکیب‌های اضافیْ الگوی ساختار زبانی غالب است؛ زیرا برای بیان استعاری ــ که بیشترین کاربرد را در این متون دارد ـ مناسب است؛ همچنین عوامل درون‌متنی و محتوایی بیشترین تأثیر را در انتخاب عنوان داشته است. گفتنی است استفاده از واژگانی با بار عاطفی و ایدئولوژیک، استفاده از اصطلاحات مربوط به فرهنگ و آیین‌های پیش از اسلام نیز جایگاهی ویژه در متون عرفانی دارد. در پایان به نقش‌های عنوان در متون عرفانی و آسیب‌شناسی اشکالات موجود در انتخاب عنوان‌ها اشاره شده است.

واژه‌های کلیدی

الگوهای نامگذاری؛ متون عرفانی؛ عوامل درون‌متنی؛ عوامل برون‌متنی؛ نقش‌های عنوان؛ آسیب‌شناسی عنوان‌ها

---

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران kheyrabadim@yahoo.com
** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسندهٔ مسئول) mehrohagh@gmail.com
*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران mohammadian@hsu.ac.ir

تاریخ وصول ١٣٩٧/١١/٢٥ تاریخ پذیرش ١٣٩٨/١١/٢

١ـ مقدمه

از دیرباز، به نام اثر در جایگاه یکی از ارکان مهم در شکل‌گیری و پیدایش یک متن و بخشی از نظام متن توجه شده است؛ همان‌گونه که در هر پدیده‌ای نخستین قضاوت غالباً در برخورد اول براساس ظاهر آن پدیده رخ می‌دهد، نخستین برخورد و آشنایی با اثر هم با عنوان آن صورت می‌گیرد؛ زیرا عنوان به‌منزلهٔ ظاهر بیرونی یا شمایل و چهرهٔ اثر است و معمولاً باید اثری از معنی (متن) در صورت دیده شود. برخی از شاعران در اشعار خود به اهمیت و جایگاه عنوان در ارتباط با متن و تأثیر آن بر مخاطب اشاره کرده‌اند؛ ناصرخسرو در همین زمینه در چند بیت به ضرورت توجه به عنوان و اثرگذاری آن بر مخاطب اشاره کرده است:

نامه‌ای کرد خدا چون به خرد زی تو　　نامه را نیست مگر صورت تو عنوان

و در بیتی دیگر می‌گوید:

نیک زین «عنوان» بندیش و مراد او　　همه زین «عنوان» چون روز همی‌برخوان

(ناصرخسرو، ١٣٦٥: ٤١١)

تأکید بر عنوان و جایگاه آن در شعر شاعران دیگر نیز بازتاب داشته است و همگی بر رابطهٔ عنوان و متن و دریافت متن ازطریق دقت در عنوان اشاره کرده‌اند. سعدی به‌زیبایی به رابطهٔ عنوانِ نیک و متن اشاره می‌کند:

حسن عنوان چنانکه معلوم است　　خبر خوش بود به نامه درش

(سعدی، ١٣٦٩: ٨٣٠)

برخی اساسی‌ترین رکن کتاب را عنوان آن می‌دانند؛ زیرا نویسنده در زیر عنوان به تألیف می‌پردازد. عنوان کتاب رکن بیرونی و ظاهری کتاب ـ در مقایسه با ارکان دیگر که درونی و نهان است ـ شمرده می‌شود (رک: اسفندیاری، ١٣٦٩: ١١٣). همچنین شناخت عنوان در جایگاه یک خُردمتن برای ورود به دنیای متنِ اصلی ضروری به نظر می‌رسد و شناخت آن گاهی به شناخت متن و درون‌مایهٔ آن کمک می‌کند؛ زیرا همان‌گونه که یکی از ناقدان می‌گوید: «هر کتاب خوب یک جملهٔ درخشان است که تا پایان گسترش می یابد» (شفیعی کدکنی، ١٣٨٨ ب: سی و سه)، امبرتو اکو (Umberto Eco) نیز بر این باور است که «متن یک معنابن گسترش‌یافته به شمار می‌رود؛ ازاین‌رو هر معنابنی هم یک متن در شرف تکوین تلقی می‌شود» (آلگونه جونقانی، ١٣٩٥: ٣٧).

براساس این دیدگاه‌ها، این جمله و عبارت درخشان و معنابن را گاه می‌توان درحقیقت همان عنوان اثر دانست؛ زیرا عنوان در بیشتر موارد فشرده و عصارهٔ متن است و متن شکلِ گسترش‌یافتهٔ عنوان به شمار می‌آید؛ ازاین‌رو عنوان از دیرباز برای عمدهٔ پدیدآورندگان آثار جایگاه ویژه ای داشته است. همان‌گونه که در شروع قصیده‌ها به حسن مطلع و در داستان‌های منظوم به فضاسازی (براعت استهلال) تأکید داشتند، به عنوان آثار هم به‌منزلهٔ دروازهٔ ورود به متن توجه و تأکید شده است.

گفتمان و ساختار غالب عنوان‌ها در هر دوره‌ای تابعی از شرایط فرهنگی، سیاسی و ادبی همان دوره است؛ بنابراین می‌توان از شیوهٔ نامگذاری کتاب‌های هر دوره تا حدی به ساختار فرهنگی و سیاسی آن دوره پی برد و فضای کلی ساختار و محتوای اثر را نیز تشخیص داد. با کمک نظریه‌ها و رویکردهای جدید در حوزهٔ نقد ادبی «وقتی هزار یا بیشتر از هزار مجموعهٔ شعر از دیدگاه عنوان، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل و این طبقات را بر ادوار تاریخی یک قرن توزیع کنیم، درخواهیم یافت که درمجموع در هر دوره‌ای چه حال و هوایی حاکم بوده است» (شفیعی کدکنی، ١٣٨٦: ٤٤٢).

١ـ١ بیان مسئله

از نخستین نامگذاری آثار نظم و نثر فارسی بیش از هزار سال می‌گذرد و در گذر زمان، همانند تحولات شعر و نثر فارسی، عنوان‌ها نیز براساس تحولات فرهنگی و سیاسی تحول داشته و اهل کتاب نسبت‌به این دگرگونی‌ها آگاه بوده‌اند؛ البته تاکنون در جایگاه موضوع تحقیقی به آن توجه جدی نشده است.

گزینش نام مناسب، زیبا و اثرگذار برای آثار نظم و نثر فارسی در موضوعات مختلف، از گذشته تا امروز بخشی از فرایند تولید متن بوده است. طبیعی است که بعد از آفرینش هر اثر و یا تولید متن معمولاً شاعر یا نویسنده بر آن است تا عنوانی که برمی‌گزیند، در عین تناسب با محتوای اثر و برخورداری از زیبایی و رسایی در انتقال محتوای اثر به مخاطب موفق باشد. بی‌تردید همیشه انتخاب عنوان و نام برای یک اثر از یک الگو و شرایط واحد پیروی نمی کند؛ همان‌طور که عوامل و شرایط تولید آثار متفاوت است، عوامل و زمینه‌های نامگذاری آثار نیز یکسان نیست. به همین سبب در انتخاب عناوین آثار نظم و نثر فارسی تنوع و گستردگی بسیاری دیده می‌شود.

با بررسی گذرای عنوان‌های متون نظم و نثر فارسی در دوره‌های اول درمی‌یابیم که نوع انتخاب نام با سبک نگارش و جایگاه هنری آثار ارتباط مستقیم دارد؛ همان‌طور که از نخستین نثرها و

شعرها انتظار اثری متعالی نیست، در نامگذاری های دورهٔ اول نیز با توجه به نبود سابقهٔ قبلی و گسست‌های فرهنگی برخاسته از تغییر خط و زبان، نویسندگان و شاعران از عنوان‌های سادهٔ فارسی و یا به دلایلی، که به آن اشاره خواهد شد، از عنوان‌های عربی استفاده می‌کردند. با تعالی و رشد شعر و نثر و یا سستی، ضعف و تقلید در آن، در نامگذاری‌ها نیز تعالی و گاهی ضعف و تکرار و تقلید دیده می‌شود. با تنوع و گستردگی متون، نامگذاری‌ها نیز ابعاد مختلفی می‌یابد که برای بررسی و شناخت دقیق آن باید آنها را در مجموعه‌ها و زیرمجموعه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد تا بتوان به شناختی دقیق و همه‌جانبه دست یافت. با بررسی الگوها و زمینه‌های شکل‌گیری آنها به عوامل مؤثر و الهام‌بخش شاعران و نویسندگان در نامگذاری آثارشان پی خواهیم برد و از خلال مطالعه در عنوان‌ها، زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، زیبایی شناسی را در نامگذاری آثار می شناسیم؛ همچنین به سبک‌شناسی خاص هر دوره و یا نوع ادبی در عنوان‌های آثار آن دوره دست می‌یابیم و انگیزه‌های پنهان و احتمالی موجود در عنوان‌ها را در حد توان، کشف و آسیب‌ها و اشکالات موجود و دلایل شکل‌گیری این آسیب‌ها را بررسی می‌کنیم.

١ـ٢ ضرورت پژوهش

با در نظر گرفتن عنوان اثر به‌منزلهٔ کلید و رمز ورود به دنیای یک متن و رمزگشایی از درون آن، شناخت عنوان اثر و کشف رابطهٔ آن با جریان شکل گیری متن ضرورت می یابد؛ زیرا عنوانی که درست انتخاب شده باشد، درحقیقت مرکز اندیشهٔ شاعر و نویسنده است که در متن تکثیر می شود و گسترش می‌یابد و هویت اثر را به مخاطب می‌شناساند. همچنین برای آگاهی کامل و دقیق از میراث گذشتهٔ یک فرهنگ باید همهٔ ابعاد آن موشکافانه بررسی شود تا بتواند در معرض قضاوت و نقد صحیح قرار گیرد. بر همین اساس پرداختن به موضوع عنوان‌های آثار در یک زبان و بررسی سیر تحولات شکل گرفته در آن و نشان‌دادن عوامل مؤثر در این تحولات می تواند راهگشای برخی پژوهش‌های اجتماعی، تاریخی، زبانشناسی و زیبایی شناسی قرار گیرد. با تحقیق در این موضوع می‌توان به برخی سؤالات مخاطبان آثار کهن دربارهٔ الگوها و قوانین حاکم بر نامگذاری، عوامل اثرگذار بر آن و دلایل تغییر و تحول الگوها تا حدی پاسخ داد؛ همچنین تأثیر متقابل ساختارها در یکدیگر و اثرگذاری ساختارهای کوچک در ساختارهای بزرگ و تأثیر ساختارهای کلانِ نظام سیاسی و مذهب و... را بر ساختارهای کوچک ـ که امری محسوس و بدیهی است ـ بررسی کرد

(رک: شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸ الف: ۹). این پژوهش درپی آن است که علاوه‌بر نشان‌دادن الگوها به آسیب‌شناسی نامگذاری متون گذشته ازقبیل تکرار، تناسب نداشتن عنوان با موضوع، تفاوت زبانی متن با نام اثر و... بپردازد تا از این رهگذر آثار نظم و نثر، نقد و ارزیابی دقیق شود. بررسی الگوها و تحولات نامگذاری آثار از آن نظر مهم است که ما را با ذائقه و سلیقهٔ نویسندگان و مخاطبان این آثار در هر دوره‌ای آشنا می‌کند. همچنین گاه با یافتنِ دلالت معنایی عنوانِ یک اثر و زمینه‌های نامگذاری آن، درک ژرفای معانی اثر آسان‌تر می‌شود.

در یک نگرش کلی در بررسی متون باید به عوامل و زمینه‌های تولید اثر ازنظر شرایط تاریخی، سیاسی و فرهنگی ـ اجتماعی و حتی روانشناسی توجه کرد؛ این در حالی است که به عنوان‌های آثار که به‌نوعی خلاصهٔ متن و در اغلب موارد بازتاب‌دهندهٔ درون مایهٔ اثر و عموماً معرّفِ متن است و از دیدگاه نظریه‌های نقد امروزی خود یک متن هستند، توجه چندانی نمی شود و در برخورد با نام آثار بدون توجه به عوامل مؤثر و انگیزها و دلایل صاحب اثر در شکل‌گیری آن به‌راحتی از کنار آنها می‌گذریم. امروزه گاه در رویارویی با برخی از نام‌ها و عناوین انتخابی برای متون کهن، سؤالاتی در ذهن خوانندگان و مخاطبان اثر ایجاد می‌شود که پاسخ به این سؤالات در گرو شناخت عوامل درون‌متنی و فرامتنی مؤثر در نامگذاری خواهد بود. بر همین اساس در این پژوهش به لایه‌های مختلف عناوین به‌عنوان یک نشانه پرداخته می‌شود: ۱) لایهٔ زبانی و نحوی؛ ۲) لایهٔ بلاغی؛ ۳) لایهٔ معنی و مفهوم.

۱ـ۳ فرضیه‌های پژوهش

۱) در کتاب‌های آموزشی و تعلیمی عرفانی، ساختار و بخش‌بندی کتاب در نامگذاری نقش اصلی دارد.

۲) موضوع و شرایط اجتماعی در انتخاب عنوان نقش مستقیم دارد.

۳) مخاطبان در تحول عنوان‌ها و کوتاه‌شدن عنوان‌های بلند و سنگین، نقش اصلی داشته است.

٤) عوامل برون‌متنی در انتخاب عناوین متون عرفانی نسبت‌به متون دیگر نقش کمتری داشته است.

۵) نویسنده برای جلب توجه مخاطبان، بر استفاد از عنوان‌های استعاری و هنری، با توجه به زبان متون عرفانی، تأکید داشته است.

٦) برخلاف آثار ضعیف و تقلیدی، نویسندگان آثار برجسته و برتر در حوزهٔ عرفان درپی اسامی

خاص و ویژه نبوده‌اند.

١ـ٤ پیشینهٔ پژوهش

با بررسی‌های مقدماتی انجام‌شده بر روی موضوع، تاکنون کتاب و پایان‌نامه‌ای که به‌طور مستقیم به موضوع نامگذاری متون کهن پرداخته باشد، مشاهده نشد. اغلب پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های نوشته‌شده در این بخش به بررسی عنوان شعرها و رمان‌های معاصر پرداخته‌اند که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود. با توجه به نبودِ پژوهش در حوزهٔ متون کهن، ضرورت پژوهش جدید احساس می‌شود.

١) *بررسی نشانه‌شناسی و بلاغی عناوین کتاب‌های شعر معاصر ایران از سال ١٣٢٠ تا ١٣٤١*؛ مرتضی داوری (١٣٩١) در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد به تحلیل نشانه‌شناسانه از عنوان‌های شعر معاصر در یک دورهٔ زمانی خاص پرداخته است.

٢) *نقش عوامل فرامتن در نامگذاری اشعار شفیعی کدکنی و آدونیس*؛ صدیقه اکبری بیدگانی (١٣٩٢) در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد به تأثیر عوامل فرامتنی مانند دین، عرفان، زمان، طبیعت، رویدادهای سیاسی و میراث ادبی پرداخته که در شکل‌گیری عنوان های اشعار این دو شاعر یاد شده است.

٣) *بررسی تطبیقی دلالت عنوان در شعر شش شاعر فارسی و عربی معاصر*؛ فاطمه بخیت (١٣٩٢) در رسالهٔ دکتری به روش مطالعهٔ تطبیقی به نامگذاری اشعار فارسی و عربی در تعداد محدودی از شعر شاعران پرداخته است.

٤) *بررسی عنوان در شعر معاصر فارسی با تکیه بر جریان‌های شعری معاصر از سال ١٩٤١ تا ٢٠٠٦*؛ عبدالله حکیم (١٣٩٥) در رسالهٔ دکتری به رابطهٔ دلالتی متن شعر و عنوان آن پرداخته و درپی اثبات این نظریه است که نوع جریان شعری معاصر در شکل‌گیری و انتخاب عنوان شعر تأثیر مستقیم دارد.

٥) *بررسی عناوین رمان‌های فارسی و چگونگی ارتباط آنها با با متن اثر*؛ مریم مهربان (١٣٩٧) در رسالهٔ کارشناسی ارشد به تقسیم‌بندی عناوین رمان‌های معاصر فارسی ازنظر شیوهٔ ارتباط با متن و تقسیم عنوان‌ها به صریح و وهمی، با توجه به فضای رمان و یا عنوان به‌منزلهٔ دیدگاه نویسنده، پرداخته است.

٦) *نامگذاری داستان‌ها و شخصیت‌ها در آثار جمال‌زاده*؛ مریم کلهری (١٣٩٨)؛ رسالهٔ

کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان.

۷) «نامگذاری کتاب‌های فارسی شبه‌قارهٔ هند»؛ نوشاهی، عارف (۱۳٦۹)؛ ترجمهٔ جلال حسینی؛ *تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی*، شمارهٔ ۱٦، صص ۹۳-۱۰۰. این پژوهش بسیار گذرا و در هفت صفحه به موضوع نامگذاری در مکان و زمانِ بسیار محدود می‌پردازد.

۸) «عنوان کتاب و آیین انتخاب آن»؛ اسفندیاری، محمد (۱۳٦۹)؛ *آیینه پژوهش*، شماره‌های ۳، ٤، ۵؛ این پژوهش به مباحث مربوط به نامگذاری آثارِ غالباً امروزی پرداخته است.

۹) «بررسی سبک‌شناسانه عنوان‌های شعر میمنت میرصادقی»؛ حسینی، مریم و عباسی، پریا (۱۳۹٤)؛ *هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی* (مجموعه مقالات)، صص ٦۹۵-٦۸۱.

۲ـ الگوهای نامگذاری در متون نظم و نثر عرفانی

۲ـ۱ نگارش متن‌های عرفانی

قرن سوم و چهارم در تاریخ عرفان و تصوف از دوره‌های مهم و اثرگذار است. اهمیت این دوره به‌سبب وجود تعداد بسیار مشایخ و بزرگان تصوف و عرفان در حوزه‌های خراسان و خارج از آن است؛ اما به دلایلی از قرن سوم و اوایل قرن چهارم متن عرفانی به زبانی فارسی در دست نداریم. این امر شاید به سبب اعتقاد مشایخ تصوف بر آموزش تعالیم عرفانی براساس الگوهای عملی بوده است؛ ازاین‌رو آنان علاقه‌ای به مکتوب‌کردن مفاهیم و تعالیم عرفانی نداشتند. در دوره‌های بعد که انگیزه هایی در برخی مشایخ و مریدان برای نگارش تجربه‌ها و آموزش اصول عرفان شکل گرفت، به‌سبب شرایط فرهنگی حاکم بر آن دوره این آثار عموماً به زبان عربی به نگارش درآمد؛ مانند کتاب های *التعرّف لمذهب التصوّف* از ابوبکر بخاری کلاباذی، *قوت القلوب* از ابوطالب مکی، *اللمع فی التصوّف* از ابونصر سراج طوسی و *رسالهٔ قشیریّه* از ابوالقاسم قشیری. با گذشت زمان و در نسل بعدی مشایخ، نزدیکان و شاگردان و یا خود متصوفه و عارفان برای آموزش کتاب‌هایی به زبان فارسی نوشتند و جریان نثر عرفانی فارسی شکل گرفت. «یکی از دلایل فارسی‌نویسی کتاب‌های عرفانی این بوده است که این زبان هم‌زمان با رشد شعر صوفیانه به‌عنوان ابزار بیان ظرایف مربوط‌به آراء و تعالیم صوفیان در عشق تثبیت شده بود» (یارشاطر، ۱۳۹۳: ۳۵٦). متن آثار به فارسی تغییر یافت؛ اما به دلایلی که گفته خواهد شد، عنوان آثار همچنان به زبان عربی انتخاب

می‌شد؛ در متون نظم و نثر در دوره‌های مختلف، انتخاب عنوان برای این آثار اغلب از الگوها و شیوه‌های خاصِ خودِ این متون عرفانی پیروی می‌کند. در ادامه به این الگوها و عوامل مؤثر در پیدایش آنها اشاره خواهد شد.

۲ـ۲ بررسی ساختار زبانی عنوان‌ها

با توجه به اولویت مباحث زبانی در بررسی متون و برپایهٔ نظریهٔ رولان بارت که «هیچ نظام دلالت معنایی بدون زبان‌شناسی، شناختنی نیست» (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۳)، نخستین بخش پژوهش را به بررسی عنوان متون عرفانی ازنظر الگوهای زبان‌شناسی اختصاص می‌دهیم.

در این بخش با انتخاب حجم مشخصی از متون نثر و نظم عرفانی (حدود صد اثر) به تجزیه و تحلیل عنوان آنها می‌پردازیم. با بررسی صورت‌گرفته در عنوان متون عرفانی ازنظر ساختار و بافت، عنوان‌های استفاده‌شده در این متون و بسامد هریک به‌صورت نتایج آماری نشان داده می‌شود.

۲ـ۲ـ۱ عنوان‌های فرد (تک‌واژه‌ای)

این نوع عنوان‌ها اعم از اینکه ساختار ساده، مشتق و مرکب داشته باشد، تشکیل‌شده از یک واژه است. ازنظر شاعر و یا نویسنده، تک‌واژه برای معرفی محتوا کفایت لازم را داشته است.

جدول شمارهٔ ۱: عنوان‌های واژه‌ای

متون نظم	*مثنوی* (مولوی)، *عرفان* (بیدل)، *المصباح* (رشید اسفراینی)، *طاقدیس* (ملا احمد نراقی)، *میخانه* (زلالی خوانساری)، *ده‌نامه* (اوحدی مراغه‌ای)، *طریقت‌نامه* (عماد فقیه)، *الهی‌نامه*، *مصیبت‌نامه*، *اسرارنامه* (عطار)، *سعادت‌نامه* (شبستری)، *ولدنامه* (سلطان ولد).
متون نثر	*معارف* (بهاءولد)، *مکاتیب* (مولوی)، *لمعات* (عراقی)، *نفیسه* (عرفی شیرازی)، *مناجات‌نامه* (خواجه عبدالله انصاری) *تمهیدات*، *یزدان‌شناخت* (عین‌القضات)، *لوایح* (جامی)

۲ـ۲ـ۲ عنوان‌های دو بخشی (ترکیبی)

در عنوان هایی که ساختار آنها به‌صورت ترکیب وصفی، اضافی و یا ترکیب عطفی است، هدفْ پیام‌رسانی دقیق از محتواست. در این ساختار دو واژه باید به‌ضرورت در کنار هم قرار گیرد تا دلالت عنوانیِ خود بر متن را بتواند به‌خوبی ادا کنند.

جدول شمارهٔ ۲: عنوان‌های ترکیب وصفی و اضافی

متون نظم	*طور معرفت*، *محیط اعظم* (بیدل)، *منطق الطیر* (عطار)، *گلشن راز* (شبستری)، *بحر الاسرار* (محمدتقی کرمانی)، *سلسلة الذهب*، *سبحة الابرار* (جامی)، *شعلهٔ دیدار*، *بحر وصال* (زلالی خوانساری)، *روضة الانوار* (خواجوی کرمانی)، *نمکدان حقیقت* (حکیم شفایی)، *آسمان هشتم* (روح‌الامین)، *منطق العشاق*، *جام جم* (اوحدی مراغه‌ای)، *آمال العارفین* (ابوالقاسم تاجر تهرانی)، *اسرار الشهود* (اسیری)، *خزاین الفواید* (مجذوب تبریزی)، *خلد برین* (وحشی بافقی)، *سلامان و ابسال* (جامی)، *دستور العشاق* (فتاحی نیشابوری)، *زاد المسافرین* (امیرحسین هروی)، *دقایق الحقایق* (احمد رومی)، *رحیق التحقیق* (فخرالدین مبارکشاه)، *روضة العاشقین* (عزیزالله زاهدی)، *روضة المحبین* (ابن عماد خراسانی)، *صفات العاشقین* (هلالی جغتایی)، *مونس العشاق* (عربشاه یزدی)، *سلیمان و بلقیس* (زلالی خوانساری)، *گوی و چوگان* (عارفی هروی)، *اسرار مکتوم* (غزالی مشهدی)، *مظهر الاسرار* (عبدی بیگ نویدی شیرازی)، *کتاب دلربای* (کاتبی نیشابوری)
متون نثر	*کیمیای سعادت* (غزالی)، *کشف المحجوب* (هجویری)، *مجالس سبعه* (مولوی)، *بحار الحقیقه*، *کنوز الحکمه* (احمد جام)، *صد میدان*، *طبقات الصوفیه* (خواجه عبدالله انصاری)، *سوانح العشاق* (غزالی)، *مناقب العارفین* (افلاکی)، *سلک السلوک* (ضیاء نخشبی)، *انسان کامل* (نسفی)، *اوصاف الاشراف* (خواجه نصیر طوسی)، *حسنات العارفین*، *مجمع البحرین* (محمد داراشکوه)، *اشعة اللمعات* (جامی)، *ضوء اللمعات* (صاین‌الدین اصفهانی)، *نسایم گلشن* (داعی شیرازی)، *بدایة الذاکرین* (امین بلیانی)، *جواهر الاسرار* (آذری طوسی)، *شرح شطحیات*، *عبهر العاشقین* (روزبهان بقلی)، *لغت موران*، *عقل سرخ*، *صفیر سیمرغ*، *رسالة الطیر* (سهروردی)، *نزهة الارواح* (امیرحسینی هروی)، *فواید الفواید* (امیرحسن دهلوی)، *نفایس الانفاس* (محمدقاسم بن عبدالقادر)، *زاد السالک* (ملامحسن فیض)، *رمز الحقایق* (رمزی کاشانی)، *جام گیتی‌نما* (قاضی میبدی)، *تذکرة الاولیا* (عطار)، *سفینة الاولیاء* (محمدداراشکوه)، *اسرار مثنوی*/ *شرح اسرار* (ملاهادی سبزواری/ اسرار)

۲ـ۲ـ۳ عنوان‌های طولانی

در عنوان‌های طولانی معمولاً صاحب اثر با اضافه‌کردن یک ترکیب عطفی، متممی و یا جار و مجرور، درپی معرفی دقیق محتوا و رفع ابهام از عنوان اثر و گاهی ایجاد تناسب لفظی و موسیقایی در عنوان اثر بوده است. این عنوان‌ها در حکم چکیدهٔ اثر و اغلب به زبان متفاوت از متن و میراثی

از دورهٔ عربی‌نویسی آثار در قلمرو زبان فارسی است.

جدول شمارهٔ ۳: عنوان‌های طولانی

متون نظم	*سیر العباد الی المعاد*، *حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقه* (سنایی)، *اوراد الاحباب و فصوص الآداب* (یحیی باخرزی).
متون نثر	*روزی با جماعت صوفیان* (سهروردی)، *اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید* (محمد بن منوّر)، *مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد*، *مرموزات اسدی در مزمورات داودی* (نجم رازی)، *مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة* (عزالدین محمود کاشانی)، *فردوس المرشدیه فی اسرار صمدیه* (محمود عثمانی)، *روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتاح* (احمد سمعانی)، *مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز* (لاهیجی)، *بستان العارفین و تحفة المریدین* (طبسی نیشابوری)، *فصل الخطاب لوصل الاحباب الفارق بین الخطا و الصواب* (خواجه محمد پارسا)، *اخبار الاخیار فی اسرار الابرار* (عبدالحق دهلوی)، *انیس الطالبین و عدة السالکین* (احمد جام)، *نفحات الانس من حضرات القدس* (جامی)، *ثمرات القدس من شجرات الانس* (لعلی بدخشانی)، *فیه ما فیه* (مولوی)

با بررسی انجام‌شده متوجه می شویم که در انتخاب عنوان های آثار عرفانی گرایش زبانی شاعران و نویسندگان بیشتر به انتخاب اسم‌ها و عنوان های مرکب بوده است (٦٠ درصد) و استفاده از عنوان‌های طولانی کمترین درصد را در بین این آثار دارد (١٥ درصد). به نظر می رسد بیشتر نویسندگان و شاعران در حوزهٔ عرفان به انتخاب عنوان‌های کوتاه بسنده می‌کردند و در این بخش به دنبال لفّاظی‌ها پرطمطراق و جلب‌توجه‌کننده نبوده‌اند. به‌گونه‌ای که در انتخاب عنوانِ ۷۵٪ از آثار انتخابی از دو یا کمتر از دو واژه استفاده شده است.

جدول شمارهٔ ٤: ساختار نحوی عنوان‌ها

نوع ترکیب	بسامد
اضافی (*تذکرة الاولیا*، *صفیر سیمرغ* و...)	٥٢
فرد (تک‌واژه)	١٨
وصفی (*انسان کامل*، *عقل سرخ*، *صد میدان* و...)	١٠
عطفی (سلامان و الابسال و...)	٤
اضافی ـ عطفی ـ اضافی (اوراد الاحباب و فصوص الآداب و...)	٥
اضافی ـ جار و مجرور ـ اضافی (*اسرار التوحید فی مقامات ابوسعید* و...)	٩
اضافی ـ متممی ـ اضافی (*مرموزات اسدی در مزمورات داودی*)	١

قید و متمم و ترکیب اضافی (*روزی با جماعت صوفیان*)	۱

استفاده از ساختار نحوی ترکیب اضافی با بسامد بالا در عنوان‌های متون عرفانی به قابلیت بالای این ترکیب در ساخت تشبیه و استعاره در آن برمی‌گردد؛ درحالی‌که این ویژگی در ترکیب‌های عطفی و وصفی دیده نمی شود. به همین سبب نویسندگان و شاعران به این ساختار زبانی بسیار توجه داشته‌اند.

۲ـ۲ـ٤ آرکائیسم (باستان‌گرایی)

وجود اصطلاحات مربوط به ایران پیش از اسلام در ادبیات عرفانی اعم از شعر و نثر نشانهٔ آن است که عرفان اسلامی در ایران از دو سرچشمهٔ اسلامی ـ ایرانی بهره برده است؛ یعنی علاوه‌بر آموزه های قرآنی و سیرهٔ بزرگان دین، از حکمت خسروانی نیز استفاده شده است که میراث ادیان پیش از اسلام در ایران است. این نکته آشکارا در متن آثار بزرگانی مانند شیخ اشراق، روزبهان بقلی، عطار، مولوی، حافظ و دیگر بزرگان عرفان و تصوف دیده می‌شود (رک: رضی، ۱۳۷۹: ٤۲۲، ٤۳۷). به نظر می رسد استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به آیین‌های پیش از اسلام در ایران و در عنوان متون عرفانی، نوعی ادای دِین به سهم معارف ایران باستان در عرفان اسلامی و همچنین مقابله با سنّت رایج نامگذاری متون فارسی به زبان عربی است که شکل ابتذال به خود گرفته بود؛ بنابراین می توان وجود نام‌هایی از نوع نام‌های زیر را نوعی آشنایی زدایی از الگوهای شناخته‌شده و هنجارگریز زبان در گزینش عنوان دانست. همان‌طور که در نثر صوفیانه، باستان‌گرایی یکی از وجوه پرهیز از ابتذال دانسته شده است (رک: شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۷۱)، این آشنایی زداییِ آگاهانه در عنوان‌ها را هم باید یکی از جنبه‌های پرهیز از ابتذال رایج در انتخاب عناوین عربی برای متون فارسی بدانیم. «آشنایی‌زدایی گاه با هدف افزایش زمان ادراک حسی و مقاصد زیبایی‌شناختی همراه است» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۹).

ازجملهٔ این عنوان‌ها عبارت است از: *جام جم* (اوحدی مراغه‌ای)؛ *صفیر سیمرغ* (شیخ اشراق)؛ *جام گیتی‌نما* (قاضی میبدی)؛ *یزدان‌شناخت/ ایزدشناخت* (عین‌القضات)؛ *طاقدیس* (ملا احمد نراقی)

۲ـ۲ـ۵ سبک ایدئولوژیک واژگان عنوان

به سبب نگاه زاهدانه، فرامادی و دنیاگریز در محتوای متون عرفانی، واژگان عنوان ها نیز از این نگاه جدا نبوده و در انتخاب عنوان ها از واژه‌هایی با بار ایدئولوژی عرفانی استفاده شده است که بازتاب‌دهندهٔ نگرش عرفانی صاحب اثر است. به‌گونه‌ای که با دیدن عنوان به محتوای عرفانی اثر پی

می‌بریم. با نگاهی به واژگان به‌کاررفته در عنوان‌ها می‌توان آنها را در سه گروه زیر دسته‌بندی کرد.

جدول شمارهٔ ۵: ارزش‌گذاری واژگان به‌کاررفته در عنوان

واژگان ایدئولوژیک (عرفانی)	اسرار (راز، رمز): ۱۱ بار، عشّاق (عاشقان): ٤ بار، اولیاء: ۲ بار، عارف: ۲ بار، صوفی: ۲ بار، طالب: ۲ بار، سالک، ذاکر، احباب، طریقت: ۲ بار، معرفت، وصل، شهود، شطح، مصباح، ابرار، دیدار، توحید، هدایت، اوراد، مقامات، اعجاز، انوار، وصال، کشف، حقیقت، آسمان، طور، محب، معاد، سیمرغ، حسنات، شیخ، یزدان، محجوب، مرصاد، ام‌الکتاب، مزمور، مرید، مرشد، جبرئیل
واژگان ادبی	حدیقه، روضه، گلشن، کیمیا، لمعات، نسایم، جام، سفینه، طاقدیس، مفتاح، بستان، محیط (بحر، دریا)، خزاین، عبهر، رحیق، اشعه، ثمرات، شجرات
واژگان خنثی	روزی، کتاب، دستور، فواید، تمهیدات، موران، گیتی، مثنوی، تذکره، رساله، منطق، لغت، بدایه، نزهه، شرح، آواز، پر

۲ـ۳ الگوی بلاغی (زیبایی‌شناسی) عنوان‌ها

نگاه عرفانی به پدیده‌های مادی و غیرمادی نگاهی هنری و جمال‌شناسانه است و به همین سبب به‌جز متون شعر در متون نثر عرفانی هم جلوه‌های شعری بسیار است و متون نظم و نثر عرفانی، حتی با محتوای تعلیمی، زبان و سبکی شاعرانه دارد. این نگاه زیبایی شناسانه در انتخاب بیشتر عنوان های آثار عرفانی ظهور یافته است که باید آن را امری طبیعی دانست؛ زیرا با روح و ساختار شاعرانهٔ بیشتر این آثار تناسب دارد. بیشتر عنوان های انتخاب‌شده در این متون، گزاره های عاطفی است؛ «در شعر و دیگر هنرها و در قلمرو تجربه های عرفانی ما با ساحت عاطفی زبان سر و کار داریم که زبان معرفت است نه زبان علم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۲) و «عرفان اصیل جز در یک زبان هنری و جمال‌شناسانه امکان تحقق ندارد» (همان: ۳۹)؛ ازسوی دیگر این زبان در متن متون عرفانی باید هم جنبهٔ رسانگی زبان و هم جنبهٔ عاطفی و هنری را در شرح و توضیح و توصیف حالات عرفانی ایفا کند؛ به همین سبب شاعر و نویسنده از نشانه‌های زبانی‌ای استفاده می‌کند که جنبهٔ خبری ـ هنری زبان را هم‌زمان داشته باشد تا مقصود نویسند و شاعر برآورده شود.

اهمیت بررسی عنوان‌های متون عرفانی و ادبی در یک دوره و یا موضوع خاص از این نظر نیز درخور تأکید است که گاه بررسی جمال‌شناسی عنوانِ انتخابی برای یک اثر ذهنیت شاعر و

نویسنده را نشان می دهد؛ به‌گونه‌ای که «در جمال‌شناسی نام کتاب‌ها در هر دوره، ساختارهای نحوی مورد علاقهٔ شاعران و نویسندگان، تم‌ها و موتیوهای مورد توجه را نشان می دهد و هیچ ضرورتی ندارد که برای تحلیل ساخت‌های جمال شناسی یک شاعر حتی دیوان‌های او خوانده شود، می‌توان از روی نام کتاب‌ها ذهنیت او را تحلیل کرد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸٦: ٤٤۲).

در بررسی عنوان متون عرفانی با توجه به محتوای آثار و ویژگی ذکرشدهٔ آنها، ازنظر استفاده از صنایع ادبی درمی‌یابیم که در این آثار از هر دو نوع صنایع بدیعی استفاده شده است.

۲ـ۳ـ۱ صنایع لفظی

در زبان فارسی نخستین‌بار نثرهای مسجع در متون نثر عرفانی به کار گرفته شد و نویسندگان به موسیقی و آهنگین‌بودن کلام در نثر عرفانی بیش از متون دیگر توجه داشتند؛ با موفق‌بودن این تجربه در جذب مخاطب، بعدها نویسندگان آثار غیرعرفانی ازجمله متون تاریخی و تعلیمی هم از این شیوه استقبال کردند. ازاین‌رو نویسندگان به استفاده از تناسب‌های لفظی اعم از سجع، جناس، تضمین مزدوج و... در انتخاب عنوان آثار عرفانی توجه داشته اند. البته باید به این نکته توجه داشت که به‌سبب محدودبودن عنوان، عرصه برای هنرنمایی به صنایع خاصی محدود بوده است.

۲ـ۳ـ۱ـ۱ سجع (تناسب‌های لفظی)

در عنوان های طولانی، استفاده از روش هماهنگ‌سازی یا تسجیع که بر همسانی هرچه بیشتر صامت‌ها و مصوت‌ها استوار است، به یک شیوه و سبک تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که به‌ندرت عنوان طولانی بدون استفاده از این تناسب لفظی دیده می شود و با توجه به کاربرد سجع در نثر، بیشترین آثار در این شیوه متون نثر هستند تا نظم. این نوع تناسب با سجع درون متن متفاوت است؛ چون عنوان ها ساختار جمله‌ای ندارد؛ اما نمی‌توان تناسب موجود در عنوان‌ها را نادیده گرفت و گونه‌ای از سجع و ترصیع ندانست و جنبهٔ موسیقایی و شاعرانگی آن را ندید؛ زیرا از یک نظر «موسیقی علم نسبت ها است و شعر جز به موسیقی رسیدن کلام نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸ ب: ۲۹٤).

جدول شمارهٔ ٦: عنوان‌های دارای سجع و ترصیع

فصل الخطاب لوصل الاحباب الفارق بین خطا و ثواب	*ثمرات القدس من شجرات الانس*
روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتاح	*اوراد الاحباب و فصوص الآداب*
مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز	*حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة*
مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد	*مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة*

مرموزات اسدی در مزمورات داودی اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید	نفحات الانس من حضرات القدس

۲ـ۳ـ۱ـ۲ ازدواج

در اسامی کوتاه تر برای استفاده از موسیقی زبان از صنعت ازدواج به‌جای سجع استفاده شده است که نسبت‌به سجع بسامد کمتری دارد؛ مانند *سلک السلوک؛ نفایس الانفاس؛ دقایق الحقایق/ حقایق الدقایق.*

۲ـ۳ـ۲ صنایع معنوی و علم بیان

در بخش صنایع معنوی و علم بیان به سبب زبان شاعرانه و نمادین، استفاده از زبان غیرصریح و رمزی برای توصیف مباحث و حالات عرفانی در متون عرفانی اجتناب‌ناپذیر به نظر می رسد؛ به همین دلیل دلالت ضمنی جایگزین دلالت مستقیم در نشانه‌های عناوین شده است؛ عامل بالابودن بسامد استفاده از صنایع معنوی بدیعی و علم بیان در انتخاب عنوان متون عرفانی همین امر است.

۲ـ۳ـ۲ـ۱ تشبیه

به‌دلیل ضرورت استفاده از تشبیه در بیان مفاهیم عرفانی و کاربرد آن در عنوان آثار و محدودیت نویسنده و شاعر در محور افقی کلام، تنها تشبیه بلیغ اضافی قابلیت استفاده دارد؛ از آن جمله است: *طور معرفت، گلشن راز، بحر الاسرار، نمکدان حقیقت، کنوز حکمت، ثمرات القدس من حضرات الانس، جواهر الاسرار، بحر الحقیقه، رحیق التحقیق، بحر وصال.*

۲ـ۳ـ۲ـ۲ عنوان‌هایی با ساختار استعاری

در بین عنوان های مرکب و کوتاه، صورت خیال استعاره کاربرد بیشتری نسبت‌به تشبیه دارد که به‌سبب هنری‌تربودن و غیرصریح‌بودنش با زبان عرفانی تناسب بیشتری دارد. این عنوان‌ها استعاره‌ای از محتوا و یا کلیت اثر است. همان‌طور که گفته شد ازطریق «دلالت ضمنی که معنای مرتبه‌دومی است که از ساخت واژه به‌عنوان یک نشانه حاصل می‌شود» (مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۲۷)، این استعاره ها با توجه به نگاه عرفانی همگی بار معنایی مثبت و زیبایی شناسانه دارد. از آنجا که «سبک استعاری مناسب بیان حالات و دریافت‌های شخصی و تخیلی است، برای کسی که تجربهٔ تازه ای فراتر از عادات زبانی بیان می کند، توسل به استعاره و رمز ناگزیر است؛ زیرا قطب استعاری امکان حرکت ذهن را در عوالم خیال و رؤیا و هیجان‌های عاطفی آماده می کند. هرچه خیال و شور

و هیجان بر احوال مؤلف بیشتر چیره شود، نظام استعاری متن گسترده‌تر می‌شود و میزان کاربرد صناعات بلاغی افزایش می‌یابد» (فتوحی، ۱۳۸۹: ٤٩).

عنوان های استعاری: *المصباح، طاقدیس*[1]*، لمعات، خزاین ملکوت، خلد برین، روضة العاشقین، کیمیای سعادت، مجمع البحرین* (استعاره از عرفان ایران و هند)، *اشعة اللمعات، نسایم گلشن* (شرح گلشن راز)، *نزهة الارواح (سنبلستان)، سفینة الاولیاء، امّ الکتاب، ریاض العارفین، عبهر العاشقین، محیط اعظم، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة.*

۲ـ۳ـ۲ـ۳ ایهام (اتّفاق)

برخی از نویسندگان از این آرایه به شیوهٔ هنرمندانه در نامگذاری استفاده می کنند؛ به‌گونه ای که یک واژه از عنوان با نام نویسنده یا حاکم و حامی اثر نیز تناسب دارد و غیرمستقیم هر دو هدف نویسنده برآورده می شود. همان‌گونه که برخی از شاعران مانند مولوی (خموش/ خاموشی) و ابتهاج (سایه) از این شیوه در کاربرد تخلص خود استفاده می‌کنند.

۱) *رمز حقایق*: در نگاه اول هیچ نکته‌ای از صنعت ایهام در آن دیده نمی شود و عنوان با محتوای عرفانی اثر متناسب است؛ کتاب رموز حقایق عرفانی را بیان می کند؛ اما وقتی در کنار نام نویسنده (رمزی کاشانی) قرار می‌گیرد، متوجه ظرافت این نامگذاری می‌شویم.

۲) *مرموزات اسدی در مزمورات داودی*: در این اثر واژهٔ داود به‌گونه ای به کار رفته است که با کلمهٔ مزمور و کتاب *مزامیر* داود پیامبر تناسب دارد؛ درحالی‌که کتاب به شخصی به نام علاءالدین داودشاه تقدیم شده است.

۳) *کلام قلندری*: دیوان شعر بوعلی قلندری با مضمون عرفانی سروده شده است و واژهٔ قلندر، هم به نام شاعر و هم به قلندر عارف اشاره دارد.

۲ـ۳ـ۲ـ٤ عنوان‌های تلمیحی

نام هایی که با اشاره به یک واقعه یا بخشی از قرآن و یا شعر انتخاب شده است؛ مانند *طور معرفت* و *شعلهٔ دیدار*: هر دواشاره به واقعهٔ کوه طور؛ *لغت موران*: اشاره به سورهٔ نمل؛ *جام جم*؛ *جام گیتی‌نما*: اشاره به داستان جام در روایت‌های پیش از اسلام؛ *مرموزات اسدی در مزمورات داودی*: تلمیح به داود پیامبر؛ *امّ‌الکتاب* (آل عمران: ۷ و زخرف: ٤)؛ *مرصاد العباد* (فجر: ٤)؛ *مجمع البحرین* (کهف: ٦٠).

۲ـ۳ـ۲ـ۵ استفاده از نمادها (رمز) برای نامگذاری

یکی از ویژگی های زبان عرفانی استفاده از نمادها و رمز برای بیان مفاهیم عرفانی است که در اشعار شاعران و برخی از داستان ها و متون نثر نیز استفاده شده است؛ زیرا رمز چیزی از جهان شناخته‌شده و دریافتنی با حواس است که به چیزی از جهان ناشناخته و غیرمحسوس و یا به مفهومی جز مفهوم متعارف و مستقیم خود اشاره کند (پورنامداریان، ۱۳۸۹: ۲۳). ازین‌رو علاوه‌بر استفاده از نمادها در متن آثار عرفانی، برخی شاعران و نویسندگان از این شیوه برای نامگذاری آثار خود نیز استفاده کرده‌اند. نکتهٔ جالب فارسی‌بودن این واژگان است و استفاده از اساطیر ملی در عنوان‌ها که به پیوند و هماهنگی میان عناصر اساطیری ایرانی و اسلامی در حکمت اشراق اشاره دارد (همان: ١٩٤)؛ این موضوع علاوه‌بر نشان‌دادن ظرفیت زبان فارسی به پیشینهٔ کهن این نمادها دلالت دارد. از آن جمله است: *گوی و چوگان* (نماد عاشق و معشوق)، *صفیر سیمرغ*، *جام جم*، *جام گیتی‌نما*، *میخانه*، *بهرام و بهروز* (نماد شرّ و خیر)، *منطق الطیر*، *هفت حصار*، *لغت موران*، *قصهٔ مرغان (رسالة الطیر)*، *آواز پر جبرئیل*، *سلامان و ابسال* (سلامان نماد نفس ناطقه و ابسال نماد تن شهوت‌پرست).

بیشترین استفاده از این شیوه در متن و درنتیجه بازتاب آن در عنوان آثار، به نوشته‌های شیخ اشراق برمی‌گردد.

جدول شمارهٔ ۷: بسامد صنایع ادبی در عنوان‌ها

صنعت ادبی و صورت خیال	بسامد
استعاره	۱۸
نماد	۱۲
سجع	۱۱
تشبیه	۱۰
تلمیح	۹
ازدواج	٤

ایهام	۳

۲ـ٤ عوامل اثرگذار در نامگذاری متون عرفانی

در انتخاب عنوان یک اثر عواملی بسیاری دخالت دارد که این عوامل گاه درون متنی و گاه فرامتنی است. نویسندگان و شاعران بسته به شرایط اجتماعی ـ سیاسی، نگاه شخصی و... براساس یکی از الگوها به انتخاب و یا ابتکار دست می‌زنند.

۲ـ٤ـ۱ عوامل درون‌متنی

در این بخش به عواملی می پردازیم که موضوع متن یا ساختار متن و یا شخصیت‌هایی که بخشی از متن است، به‌طور مستقیم در عنوان دخالت دارد. با نگاهی به برخی از عناوین به‌راحتی می‌توان به محتوا و موضوع اثر پی برد. در این آثار گاه عنوان آشکارا به موضوع اشاره دارد و گاه به‌شکل غیرصریح و با کمک علم بیان به شیوهٔ هنری و یا نمادهای شناخته‌شده به معرفی اثر می‌پردازد.

۲ـ٤ـ۱ـ۱ محتوا

الف) عنوان‌هایی که مستقیماً به محتوا اشاره دارد و برگرفته از محتواست؛ مانند *الهی‌نامه، مناجات‌نامه، عرفان، اسرارنامه، اسرار الشهود، طریقت‌نامه، مناقب العارفین، شرح شطحیات، سیر العباد الی المعاد، دستور العشاق، دقایق الحقایق، سلک السلوک، فی حقیقة العشق، انسان کامل، المعارف.*

ب) عنوان هایی که به شیوهٔ استعاری و تشبیهی به محتوا اشاره دارد؛ مانند *طور معرفت، المصباح، بحر اسرار، محیط اعظم، سلسلة الذهب، حدیقة الحقیقة، رحیق التحقیق، روضة الانوار، لمعات، مصباح الهدایة، مفتاح المفاتیح، نزهة الارواح، طاقدیس، کیمیای سعادت، بستان العارفین.*

ج) عنوان هایی که به‌شیوهٔ نمادین به محتوای اثر اشاره دارد؛ مانند *جام جم، میخانه، صفیر سیمرغ، منطق الطیر* [۲]*، رسالة الطیر، لغت موران، جام گیتی‌نما.*

۲ـ٤ـ۱ـ۲ عنوان‌های برگرفته از ساختار و فرم اثر

در این الگو نویسنده یا شاعر اثر خود فصل‌بندی می کند و براساس تعداد و یا نام فصل ها عنوانی برای اثر خود انتخاب می‌کند. این نوع آثار اغلب جنبهٔ تعلیمی و آموزشی دارد و نویسنده مباحث عرفانی را جداگانه در فصول مختلف مطرح می‌کند. این شیوه بیانگر ساختار بیرونی کتاب است؛ اما اغلب معرّف محتوای اثر نیست و خلاقیت نویسنده بیشتر در انتخاب عنوان بخش‌های

کتاب است که قرار است در عنوان بازتاب داشته باشد.

جدول شمارهٔ ۸: عنوان‌های مرتبط با فصل‌های کتاب

عنوان	تعداد فصل
مجالس سبعه	هفت مجلس
طبقات الصوفیه	پنج طبقه
تمهیدات	ده تمهید
لمعات	بیست و هشت لمعه به تعداد حروف عربی
ده نامه	ده فصل
مرموزات اسدی در مزمورات داودی	ده مزمور
اوراد الاحباب و فصوص الآداب	شصت فص
عشرهٔ کامله	ده مبحث عرفانی
خزاین ملکوت	هفت خزانه
ریاض العارفین	دو روضه یک فردوس و یک خلد
خلد برین	شش روضه (تناسب با خلد)
جام جم	سه دَور (تناسب با جام)
سبحة الابرار	در چهل عِقد و مجموع عِقدها یک سبحه
مثنوی [۳]	قالب و فرم

حالت دیگری از رابطهٔ عنوان و ساختار اثر، انتخاب عنوان از بخشی از ساختار اثر یا یک بخش از عبارت‌های آن است.

ـ *روزی با جماعت صوفیان* (روزی با جماعت صوفیان در خانقاهی نشسته بودم...)

ـ *فی حالة الطفولیة* (در طفولیت بر سر کویی چنانکه عادت کودکان باشد بازی می‌کردم...)

ـ *لغت موران*: از نُه فصل تشکیل شده است و هرکدام حکایتی تمثیلی ـ عرفانی است. نام رساله فقط از فصل اول گرفته شده است که حکایت موران و بحث آنهاست و دربارهٔ منشأ قطره‌های شبنم بحث می‌کنند.

۲ـ٤ـ۱ـ۳ عنوان‌های برگرفته از شخصیت‌های متن

آثاری مانند *سلامان و ابسال*، *گوی و چوگان*، *بهرام و بهروز* و *عقل سرخ* از این جمله است.

این امر دربارهٔ یک متن عرفانی کم‌سابقه است؛ ولی چون شخصیت‌ها نمادین هستند، در داستان *عقل سرخ*، فرشته که همان عقل فعال است، در قالب پیری در عین حال جوان با محاسن و رنگ و رویی سرخ ظاهر می شود. به همین مناسبت سهروردی نام داستان را *عقل سرخ* گذاشته است (پورنامداریان، ۱۳۸۹: ۳۲۲) و و در مقایسه با سه اثر دیگر در نوع خود بدیع و جذاب است.

۲ـ٤ـ۲ عوامل برون‌متنی

در تاریخ زبان و ادبیات فارسی همیشه بخش اعظمی از متون نظم و نثر از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمان خود تأثیر پذیرفته است که امری طبیعی و توجیه پذیر است؛ اما این تأثیرپذیری در همهٔ آثار و موضوعات یکسان و به یک اندازه نیست. در متون عرفانی تأثیرپذیری از عوامل خارج از متن نسبت‌به موضوعات دیگر بسیار پایین و در مواردی انگشت‌شمار است، مگر در متون و آثار نویسندگان غیرمشهور که معمولاً عنوان‌های انتخاب‌شده براساس عوامل فرامتنی یا برون‌متنی بی‌بهره از ارزش‌گذاری متنی و نسبت‌به متن خنثی است.

۲ـ٤ـ۲ـ۱ استفاده از نام حاکم و حامی در عنوان اثر

در متون عرفانی به سبب نوع محتوا و ذات اثر و در اغلب موارد به سبب شخصیت نویسنده، نام شخصیت‌های حاکمیتی در عنوان اثر قرار نمی‌گیرد؛ زیرا این آثار سفارشی تولید نمی‌شود و روح عرفان بر آزادگی و آزادی از هر نوع تعلق استوار است. این امری طبیعی و پذیرفتنی به نظر می رسد که عوامل دنیوی و مادی در آن اثرگذار نباشد.

در بین آثار عرفانی تنها چند اثر محدود از این قاعدهٔ کلی استثنا شده است:

ـ *مرموزات اسدی در مزمورات داودی*[٤]: به نام علاءالدین داود شاه بن بهرام شاه پادشاه ارزنجان.

ـ *رسالهٔ جمالی*: رساله‌ای از عین‌القضات برای جمال‌الدین شرف‌الدوله از شاهزادگان معاصر او.

۲ـ٤ـ۲ـ۲ قرارگرفتن نام صاحب اثر در عنوان

با توجه به هدف عرفان که فناء فی الله و مبارزه با هر نوع نفسانیّت است، در متون عرفانی به‌ندرت مواردی از این سبک نامگذاری را در آثار غیربرجسته می‌بینیم که در مقایسه با کل آثار عرفانی بسامد بسیار پایینی است. البته این قرارگرفتن نام نویسنده در عنوان‌ها اغلب به‌صورت غیرصریح و به‌صورت «قصد الوجهین» است که هم به موضوع اثر اشاره دارد و هم نام پدیدآورنده

در آن است؛ از آن جمله است: *مرموزات اسدی در مزمورات داودی* (از ابوبکر اسدی رازی معروف به نجم دایه)، *کلام قلندری* (از بوعلی قلندری)، *رمز حقایق* (از رمزی کاشانی)، *ولد نامه* (از سلطان ولد)، *سبعه عبدی* (از عبدی بیگ شیرازی)، *اسرار مثنوی/ شرح اسرار* (از ملاهادی سبزواری متخلص به اسرار).

۲ـ۵ نقش‌های عنوان در متون عرفانی

عنوان یک اثر، کارکردهای گوناگونی دارد؛ ژرار ژنت (۱۹۳۰ـ۲۰۱۸) که جامع‌ترین پژوهش را در حوزهٔ عنوان‌ها و مدخل‌ها انجام داده است، در اثر خود با عنوان «*زمینه‌ها*» برای عنوان چهار نقش اساسی ذکر می‌کند (رک. بخیت، ۱۳۹۲: ۳۹-٤١).

۲ـ۵ـ۱ نقش تعیین‌کنندگی

در این نقش، عنوان وظیفهٔ نامگذاری و معرفی اثر به مخاطب را بر عهده دارد و همچنین تعیین کنندهٔ هویت متن است. همهٔ عنوان‌ها این نقش را ایفا می‌کنند.

۲ـ۵ـ۲ نقش وصفی

عنوان در این نقش به توصیف موضوع متن و کلّیت اثر می پردازد و قبل از خواندن، از محتوای کلی متن خبر می دهد و تصوری از محتوا در ذهن مخاطب ایجاد می کند که نسبت‌به نقش قبل جزئی‌تر است.

۲ـ۵ـ۳ نقش دلالت‌کننده

با خواندن متن و دریافت مفاهیم آن مخاطب به دلالت آن پی می‌برد. اهمیت دیگر عنوان در کلیدواژه‌بودن آن برای دریافت متن است که بین متن و مخاطب قرار می گیرد. به‌طوری که گاه دریافت کلیت و لبّ متن فقط با عنوان فهمیده می‌شود.

۲ـ۵ـ٤ نقش جلب‌کننده (ترغیبی)

یکی از نقش‌های زبان نقش ادبی است. در نقش ادبی جهت‌گیری پیام به‌سوی خود پیام است. صورتگرایان دو فرایند زبانی را از یکدیگر بازمی‌شناختند و بر این دو فرایند نام خودکاری و برجسته‌سازی نهاده بودند.

به عقیدهٔ هاورانک (B-Havranek) فرایند خودکاری زبان در اصل به‌کارگیری عناصر زبان است؛ به‌گونه‌ای که به قصد بیان موضوعی به کار رود، بدون آنکه شیوهٔ بیان جلب نظر کند؛ اما

شیوهٔ برجسته‌سازی به‌کارگیری عناصر زبان به‌گونه ای است که شیوهٔ بیان جلب نظر کند و غیرمتعارف باشد و در مقابل فرایند خودکاری زبان غیرخودکار باشد (صفوی، ۱۳۷۳: ۳۵-۳۶). براساس آنچه گفته شد در این نقش، عنوان عاملی برای جلب توجه مخاطب و خواننده است و به‌مثابهٔ تابلو تبلیغاتی عمل می کند؛ در صورت استفادهٔ صحیح از این نقش سبب کشش خواننده به انتخاب و مطالعهٔ متن می شود. در عنوان هایی با نقش جلب کننده از صنعت اغراق، مبالغه، استعاره و یا هر صنعت ادبی دیگر استفاده شده است و صاحب اثر عنوانی ویژه و خارج از شکل رایج زبانِ ارتباطی انتخاب می‌کند تا بر این نقش عنوان تأکید کرده باشد.

در این بخش بیشتر عنوان‌های متون عرفانی به‌سبب داشتن جنبه‌های بلاغی و نمادین از نوع ترغیب‌کننده و برجسته‌ساز است و ویژگی خودکاری زبان را ندارد.

جدول شمارهٔ ۹: نقش‌های عنوان در متون عرفانی

نقش وصفی	نقش دلالت‌کننده	نقش برجسته‌ساز (جلب‌کننده)
عرفان، الهی‌نامه، معارف، یزدانشناخت، مناجات‌نامه	*مناقب العارفین، سوانح لعشاق، شرح شطحیات، اسرار التوحید فی مقامات ابوسعید، مفاتیح العجاز فی شرح گلشن راز، سیر العباد الی المعاد و...*	*المصباح، طاقدیس، میخانه، لمعات، جام جم، خلد برین، جام گیتی‌نما، مجمع البحرین، کیمیای سعادت، ثمرات القدس من شجرات الانس، اوراد الاحباب و فصوص الآداب، حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقه، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه و...*

۲ـ۶ آسیب‌شناسی نامگذاری در متون عرفانی

در بحث آسیب شناسی عنوان های آثار عرفانی، به برخی از اشکالات و نقص‌های موجود در عنوان‌ها که پیامد آنها نارسایی، مطابقت‌نداشتن با محتوا و نداشتن جذابیت است، اشاره می‌شود؛ همچنین به عوامل ایجادکنندهٔ این آسیب‌ها نیز اشاره خواهد شد.

۲ـ۶ـ۱ دوگانگی زبان عنوان و متن

بخش عمدهٔ عنوان های متون نظم و نثر فارسی تا دورهٔ مشروطیت به زبان عربی است که میراث دورهٔ نفوذ مطلق زبان عربی در محدودهٔ سه قرن اول هجری در ایران است؛ به دلایل فروپاشی

ساختار سیاسی و به دنبال آن فروپاشی همهٔ ساختارهای فرهنگی و اجتماعی و مهجورشدن زبان فارسی و حاکمیت زبان عربی در همهٔ مراکز قدرت سیاسی و دینی، ناگزیر نویسندگان و شاعران ایرانی آثار خود را به زبان عربی می نوشتند تا هم مخاطبان گسترده‌تری داشته باشند و هم در فضای سیاسی حاکمیت اعراب متعصب که به فعالیت فرهنگی با نگاه شک و تردید می نگریستند، بتوانند برای خود فضای فعالیت ایجاد کنند. [٥] پس از مدتی نویسندگان و شاعران ایرانی نگارش و سرودن به زبان فارسی را آغاز کردند؛ اما وجود عنوان عربی برای متون فارسی تا دورهٔ مشروطیت به شکل فراگیر و گسترده باقی ماند. این امر احتمالاً در ابتدا به سبب غالب و فراگیربودن زبان عربی نسبت‌به زبان فارسی حالت معرفی اثر به غیرفارسی‌زبانان را داشته است تا با کمک عنوان که گاه طولانی هم بود، با محتوای کلی متن آشنا شوند؛ درواقع عنوان در حکم چکیدهٔ متن به زبان علمی روز جهان اسلام بوده است.

از بین صد اثر منتخب عرفانی تنها هشت اثر نام کاملاً فارسی سره دارد: *میخانه*، *جام جم*، *یزدان‌شناخت*، *آسمان هشتم*، *جام گیتی‌نما*، *گوی و چوگان*، *بهرام و بهروز*، *ده‌نامه* و بیست اثر به‌صورت ساختار ترکیبی عربی ـ فارسی است: *اسرار نامه*، *نمکدان حقیقت*، *صفیر سیمرغ*، *هفت حصار*، *گلشن راز* و *نسایم گلشن* و... . عنوان هفتاد دو اثر دیگر کاملاً عربی است.

جدول شمارهٔ ١٠: زبان عنوان‌ها

زبان عنوان	بسامد
فارسی سره	٨ مورد
ترکیب عربی ـ فارسی	٢٠ مورد
عربی	٧٢ مورد

٢ـ٦ـ٢ نارسایی عنوان (مطابق‌نبودن عنوان با محتوا)

برخی از عنوان‌های انتخابی تناسبی با محتوای اثر ندارد که این امر ناشی از نداشتن اهتمام جدی نویسنده و یا شاعر به انتخاب نام مناسب بوده است؛ برای نمونه در کتاب‌هایی مثل *انسان کامل*، *کشف المحجوب*، *اسرار التوحید*، *مصباح الهدایه*، *الهی‌نامه* و *تذکرة الاولیا* بین محتوای عرفانی و عنوان تناسب کامل برقرار است؛ اما در عناوینی مثل *گوی و چوگان*، *بهرام و بهروز*، *کتاب*

دلربای، *فواید الفواید*، *سعادت‌نامه*، *مصیبت‌نامه* و *مجمع البحرین* به هیچ وجه نمی‌توان بـه موضـوع منظور نویسنده و شاعر پی برد و نمی‌توان بین عنوان و محتوای اثر به‌سـادگی ارتبـاطی یافـت. ایـن تناسب نداشتن گاهی در سرنوشت یک اثر ازنظر اقبال مخاطبان مؤثر بوده اسـت.[۶] حتـی گـاهی در برخی آثار شائبهٔ فریب مخاطب مخاطب ازطریق عنـوان جـذاب دیـده مـی شـود؛ منظومـهٔ عرفـانی *سلیمان و بلقیس* از زلالی خوانساری از این جمله است. این اثر در اصل یـک ساقی‌نامـه اسـت و برخلاف نامش، اصلاً به داستان سلیمان و بلقیس نمی پردازد؛ فقـط در ضـمن شـرح سـوز و گـداز عارفانه نامی هم از سلیمان به میان می‌آید (شریفی، ۱۳۸۷: ۸۲۲).

۲ـ۶ـ۳ تقلید از عنوان‌های گذشته

یکی از آسیب‌های موجود در نامگذاری آثار عرفانی، تقلید از عنوان‌های آثـار قبلـی اسـت. ایـن تقلید گاه از اثری با محتوای یکسان صورت می‌گیرد و گاه از آثاری با محتوای متفـاوت کـه در هـر دو صورت نشانهٔ نداشتن توجه جدی صاحب اثر برای انتخاب نام اختصاصی و مناسـب بـرای اثـر خود است؛ یا اینکه شاعر یا نویسنده سخت تحت تأثیر نام اثر برجسته و مشهور قبل از خـود قـرار گرفته و همان را برای اثر خود برگزیده است.

۲ـ۶ـ۳ـ۱ تقلید کامل از عنوان‌های آثار قبلی با موضوع غیرهمسان

ـ *کشف المحجوب* (هجویری) که یکی از آثار برجستهٔ عرفانی قرن پنجم است، عنوان خـود را از *کشف المحجوب* ابویعقوب اسحاق بن احمد سگزی در قرن چهارم گرفته است که از متون مهم فلسفی اسماعیلیه است.

ـ *زاد المسـافرین* منظومـه ای عرفـانی از امیرحسـین هـروی اسـت و عنـوانش از *زاد المسـافر/ زاد المسافرین* کتاب ناصرخسرو گرفته شده است که در حکمت اسماعیلیه است.

ـ *رسالة الطیر* (سهروردی) که پیشتر ابن‌سینا و غزالی رساله‌ای با همین نام داشته‌اند.

۲ـ۶ـ۳ـ۲ تقلید از آثار قبل با مضمون واحد

ـ *منازل السائرین* از عزیزالدین نسفی که به تقلید از اثـری بـا همـین نـام و موضـوع از خواجـه عبدالله انصاری نامگذاری شده است.

ـ *الهی نامهٔ* عطار که برگرفته از نام دیگر *حدیقهٔ* سنایی است.

ـ *مکاتیب* مولوی که تکرار عنوانی از آثار سنایی است.

ـ *ده نامه‌ها*، عنوانی است که شاعران بسیاری آن را تکرار کرده‌اند؛ ازجمله فتاحی نیشابوری، عمادفقیه، همام تبریزی، رکن صاین هروی و اوحدی مراغه‌ای. البته همگی ساختار و عنوان را از فخرالدین عراقی گرفته‌اند. معمولاً وقتی در مضمون و ساختار نوآوری وجود نداشته باشد، انتظار نوآوری و خلاقیت در نامگذاری انتظاری نابجاست.

۲ـ٦ـ۳ـ۳ تقلید ناقص از عنوان‌های قبل

پس از شکل گیری آثار برجسته در حوزهٔ عرفان و حماسه و منظومه های عاشقانه و متون اخلاقی، نویسندگان و شاعران بسیاری به تقلید و نظیره گویی از این آثار روی آوردند که هدف نه خلق یک اثر هنری که فقط اثبات توانایی شاعر و نویسنده در آن شیوه بود؛ درنتیجه اندیشه و طرزی نو از تفکر در آنها دیده نمی‌شود (صفا، ١٣٨٦، ج ٥: ٦١٢).

همان‌طور که بیشتر تقلیدها و نظیره ها عموماً در سطح بسیار پایین تری از متن برجسته قرار می‌گرفتند، عنوان‌های این آثار هم مشکل داشتند و فقط به تناسب ظاهری و موسیقایی با عنوان اصلی بسنده می کردند؛ برای مثال منظومهٔ عرفانی *مظهر الاسرار* از هاشمی کرمانی را می توان نام برد که به تقلید از *مخزن الاسرار* نظامی شده است وعنوان منظومه را هم در همان ساختار نحوی و وزنی *مخزن الاسرار* انتخاب کرده است و یا کتاب *ثمرات القدس من شجرات الانس* از لعل بدخشانی (قرن ١٠) که برگرفته از *نفحات الانس من حضرات القدس* جامی است. همچنین فخرالدین عراقی منظومه‌ای عرفانی با نام *عشاق‌نامه/ ده‌نامه* می‌سراید که در بیان وصف عشق و عاشق ازنظر تصوف و عرفان است و با ترکیبی از مثنوی و غزل‌هایی در همان بحر است؛ این اثر با توجه به شهرتی که به سبب این شیوهٔ بیان موضوع و ابتکار در خلق ساختار جدید به دست می آورد، شاعران زیادی از آن استقبال می کنند که عموماً هم در ساختار و موضوع و حتی عنوان از تقلید فراتر نمی روند. عنوان هایی مانند *منطق العشاق* و *تحفة العشاق* از اوحدی مراغه‌ای و صاین هروی را در همین موضوع می توان ارزیابی کرد. نمونهٔ دیگر از این دست، تذکرهٔ *میخانه* است که نخستین تذکرهٔ ادبی در ذکر ساقی‌نامه‌ها و سرایندگان آنها از عبدالنبی فخرالزمانی است. این اثر کاملاً ابتکاری است؛ اما در تقلید از این تذکره، تذکره هایی مانند *خمکده* از میر عیسی همت‌خان با عنوان و ساختار نزدیک به هم تألیف شده است.

۲ـ٦ـ٤ چندنامی‌بودن آثار/ کوتاه‌شدن عنوان

یکی از نابسامانی‌ها و آسیب‌های موجود در عنوان‌های آثار نظم و نثر فارسی وجود دو و گاهی

چند عنوان برای یک اثر است. این امر ناشی از چندین عامل است که لزوم تغییر نام و یا چندنامی را برای یک اثر موجب می‌شود. عواملی مانند رضایت‌نداشتن صاحب اثر، طولانی‌بودن عنوان، تناسب نداشتن با محتوا (نارسایی در معرفی متن)، وجود عنوان مشابه، دخیل‌کردن ساختار و محتوا در عنوان که در ادامه برای هر کدام نمونه‌هایی ذکر خواهد شد.

۲ـ٦ـ٤ـ۱ طولانی‌بودن عنوان

براساس اصل کم‌کوشی زبان، عنوان‌های طولانی از حالت اطناب به عنوان‌های کوتاه‌تر و حالت ایجاز تغییر می‌کند. مخاطبان و خوانندگان کتاب این تغییر نام را انجام می‌دهند:

ـ *نفحات الانس من حضرات القدس* (جامی) ← *نفحات الانس*

ـ *حدیقة الحقیقة و طریقة الشریعة* (سنایی) ← *حدیقه/ الهی‌نامه/ فخری‌نامه*

ـ *مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد* (نجم رازی) ← *مرصاد العباد/ مرصاد*

۲ـ٦ـ٤ـ۲ استفاده از دو بعد ساختار و محتوا

در بین آثاری که دو یا چند عنوان دارد، گاهی یک عنوان به ساختار و عنوان دیگر به محتوا اشاره دارد؛ زیرا نویسنده به هر دو جنبهٔ اثر خود توجه داشته است.

ـ *تمهیدات/ تماهید* (عین‌القضات) که نامی براساس ساختار اثر (ده تمهید) است. عنوان دوم یعنی *زبدة الحقایق* که به محتوا اشاره دارد معرفی کتاب را کامل می‌کند.

ـ *ده نامه* (عراقی) که نامی براساس ساختار ده قسمتی آن است با نام محتوایی *عشاق‌نامه* همراه شده است.

ـ *سی نامه* (امیر حسین هروی) که از سی نامه تشکیل شده که براساس محتوا (*محب و محبوب*) نامگذاری شده است.

ـ *سبعهٔ عبدی* (عبدی بیگ شیرازی) که از هفت بخش تشکیل شده و نام محتوایی آن *خزاین ملکوت* است.

۲ـ٦ـ٤ـ۳ نام فارسی و نام عربی

ـ *فلک البروج* (روح‌الامین میرجمله) با نام فارسی *آسمان هشتم*

ـ *رسالة الطیر* (سهروردی) با نام فارسی *قصّهٔ مرغان*

۲ـ٦ـ٤ـ٤ تقلید و تکرار

ده نامه‌های اوحدی مراغه‌ای و صاین هروی به سبب تکراری و تقلیدی بودنشان از *ده نامهٔ* عراقی

و برای پرهیز از اشتباه، ناچار به داشتن نام دوم (*منطق العشاق* و *تحفة العشاق*) شده‌اند.

۲ـ۷ عنوان‌های فربه‌تر از متن

برخی عنوان‌ها مطابق با موضوع و هم‌سطح مطلب انتخاب شده است و یا کمتر از ارزش محتوایی کتاب در عنوان آن اهتمامی صورت گرفته است؛ اما در کتاب های درجهٔ دوم و سوم گاهی با عنوان هایی روبه‌رو می شویم که بیش از ارزش محتوایی اثر است و متن در حد و اندازهٔ عنوان انتخاب‌شده نیست؛ درواقع نویسنده به دنبال خاص‌بودن عنوان یا زیبایی عنوان خود بوده است تا مطابقت آن با متن. از آن جمله است:

ـ *اسرار مکتوم* (غزالی مشهدی): عنوان این اثر در حد محتوای تقلیدی آن و جایگاه شاعر در عرفان نیست.

ـ *ام الکتاب* (احمد رومی): این نام فراتر از محتوای عرفانی و کلامی کتاب است.

ـ *بحار الحقیقة* (احمد جام): با توجه به جمع بستن کلمهٔ بحر در عنوان، آن را فراتر از محتوا قرار می‌دهد. همچنین جایگاه امروزی آن در بین متون عرفانی چندان برجسته نیست.

ـ *مفتاح المفاتیح* (اوحدی بلیانی): در ظهور مراتب تصوف است و عنوانی اغراق‌گونه دارد؛ محتوا در حد آن نیست.

ـ *فصل الخطاب لوصل الاحباب الفارق بین الخطا و الصواب*: عنوان فراتر از متن است و محتوای آن فصل‌الخطاب در مباحث عرفانی نیست.

ـ *عشرة کامله*: به ادعای عنوان، ده اصل مهم عرفان را مفصل و کامل شرح داده است.

ـ *سفینة الاولیا*: تنها تقلیدی از عنوان *تذکرة الاولیای* عطار است.

۲ـ۸ متن فربه‌تر از عنوان

برخلاف عنوان‌های پرطمطراقی که برخی از شاعران و نویسندگان برای آثار ضعیف و غالباً تقلیدی خود انتخاب می کنند، نویسندگان و شاعران بزرگ در موارد بسیاری به انتخاب عنوان های ساده بسنده کرده اند. در این موارد محتوا و موضوع آنقدر شاخص و پُربار است که اسم ساده و معمولی به اسم خاص تبدیل می‌شود.

نمونه اسم‌های ساده برای متون شاخص و برجستهٔ عرفان: *مثنوی* (مولوی)، *المعارف* (بهاء ولد)، *انسان کامل* (نسفی)، *الهی‌نامه*، *اسرار نامه*، *منطق الطیر*، *مصیبت‌نامه*، *تذکرة الاولیا* (عطار)، *تمهیدات*

(عین‌القضات).

۳ـ نتیجه‌گیری

– در نامگذاری آثار عرفانی عوامل درون‌متنی بیشترین تـأثیر را داشته است کـه بـا ذات و هـدف عرفان نیز سازگاری بیشتری دارد و عواملی مانند تأثیرپذیری از حاکمان و یا قرارگرفتن نام نویسنده در عنوان‌ها بسامدی ندارد.

– بیشتر واژگان به‌کاررفته در عنوان های متون عرفانی بار ایدئولوژیک، ادبی و عاطفی دارد و از واژگان خنثی استفادهٔ کمتری شده است.

– در بخش زیبایی شناسی و صورخیال به‌کاررفته در عنوان‌ها استعاره و تشبیه به‌ترتیب جایگـاه بیشتری نسبت‌به دیگر عناصر زیبایی سخن دارد. در جنبهٔ موسیقی لفظی نیز استفاده از سـجع بـرای ایجاد موسیقی و ماندگاری در حافظهٔ مخاطب بسامد بیشتری دارد.

– در کتاب‌هـایی کـه جنبـهٔ تعلیمـی دارد، انتخـاب عنـوان کتـاب بیشـتر براسـاس سـاختار و فصل‌بندی کتاب است تا خوانندهٔ کتاب فصول و بخش‌های متن و در مواردی تعداد این فصل‌هـا را به خاطر داشته باشد.

– در بخـش نقـش‌هـای عنـوان در متـون عرفـانی، بیشـتر عنـوان‌هـا نقـش برجسـته‌سـازی و ترغیب‌کننده دارد که عموماً با انتخاب عنوان‌های استعاری و یا نمادین و یا اسامی متعلق به فرهنـگ ایران باستان ایجاد شده است.

– در بخش آسیب شناسی عناوین، متفاوت‌بودن زبان عنوان‌ها با زبان متن، تقلیدی بودن عناوین و نبودِ نوآوری بیشترین بسامد را دارد.

– وجود عنوان‌های فارسی در برخی از متـون کـه بسـیار هنرمندانـه انتخـاب شـده اسـت، بـه تأثیرپذیری از حکمت خسروانی و ترکیب آن با تعالیم عرفان اسلامی مربوط می‌شود؛ ایـن موضـوع در آثار سهروردی بازتاب بیشتری دارد.

– آثار برجستهٔ عرفانی فراتر از عنوان‌های انتخابی است و نویسنده یا شاعر عـارف در بنـد نـام نبوده است؛ اما در متون غیربرجسته، شاعر و نویسنده به دنبال مطرح‌کردن اثر خود با استفاده از نـام متفاوت است تا به جذب مخاطب بپردازد.

– ساختار نحوی غالب در عنوان‌ها ترکیب های اضافی است که بـرای اسـتفاده از ترکیـب‌هـای

تشبیه و استعاره در عنوان مناسب‌ترین ساختار نحوی است.

پی‌نوشت

در گزینش عنوان‌های آثار عرفانی کتاب‌های *تاریخ ادبیات* در ایران نوشتهٔ ذبیح‌الله صفا و *فرهنگ ادبیات فارسی* نوشتهٔ محمد شریفی مبنای کار بوده است که تقریباً همهٔ اوراق آنها یک بار مرور شد و در موارد بسیاری به خود متن اثر مراجعه شده است.

۱) گفته شده است که طاقدیس نام تخت مشهور خسروپرویز به‌شکل طاق بوده است؛ آسمانهٔ آن از طلا و سنگ لاجورد بود و به کرهٔ بزرگی شباهت داشت (شریفی، ۱۳۸۷: ۹٦۳).

۲) به اعتبار اینکه پرندگان در متن *منطق الطیر* هریک نماد یک تیپ و شخصیت اجتماعی هستند.

۳) دربارهٔ مولوی باید گفت او چون در بندِ نام نبوده است برای هیچ‌یک از آثار خود درپی عنوان خاصی نبوده است؛ به همین دلیل برای مثنوی عرفانی خود تنها نام قالب را انتخاب می‌کند که محتوای اثر این نام عام را به نام خاص و ویژهٔ مولوی تبدیل می‌کند؛ همان‌طور که شهرت خود او (مولوی) نیز عنوان عامی است که دربارهٔ او خاص شده است. نکته جالب‌تر آنکه برای دیوان غزلیاتش هم عنوان ویژه‌ای ندارد و به همین سبب با چند عنوان شناخته می‌شود. دربارهٔ آثار منثور نیز گفته می‌شود شاگردان و مریدان مولوی که به جمع‌آوری این آثار اقدام کردند، این عنوان‌ها را رواج دادند.

٤) مؤلف این کتاب را در شهر ارزنجان و به سال ٦٢١ ه. ق برای داودشاه بن بهرام‌شاه ازآل منکوچک تألیف کرده است. وی دربارهٔ وجه تسمیهٔ کتاب می‌گوید: «چون سخن این ضعیف مبتنی بر مرموزات باشد، خواست تا اسم مطابق مسمّی بود و چون تحفهٔ حضرت داودی می‌ساخت، خواست تا با مزمورات زبور داودی مناسبتی دارد، این مجموعه را بر ده مزمور بنا افتاد... و نام کتاب بدین مناسبات، «*مرموزات اسدی در مزمورات داودی*» نهاده آمد» (رازی، ۱۳۸۱: ۳۵). عنوان این کتاب از چند وجه بررسی شده است که نشانهٔ توجه ویژهٔ نویسنده است که هم نام نویسنده و حاکم زمان را هم‌زمان با خود دارد و در ساخت آن از مجموعه‌ای از آرایه‌های سخن استفاده شده است (سجع/ جناس/ تلمیح/ ایهام/ تناسب/ ترصیع).

۵) در دوره‌های اول نویسندگان ایرانی به‌ضرورت بسیاری آثار خود را به عربی می‌نوشتند؛ از جملهٔ این نویسندگان به بزرگانی مانند ابن‌مقفع، طبری، رازی، فارابی، ابن‌مسکویه، ابن‌سینا، بیرونی و در قرون بعدتر به ملاصدرا می‌توان اشاره کرد که همه یا غالب آثارشان را به زبان عربی نوشته‌اند.

٦) بی‌گمان علت کم‌شناختگی منظومهٔ *مصیبت‌نامه* در مقایسه با *منطق الطیر* نامِ آن است که غالباً تصور می‌شود کتابی در فن مصیبت‌سرایی و نوحه‌خوانی است؛ حال آنکه عطار در این اثر، سوگنامهٔ تبار انسان و اضطراب‌های بیکران و جاودان آدمی و مشکلات ازلی و ابدی بشر را سروده است و اینکه در

معرفت‌شناسی الاهیات، همهٔ کاینات سرگشته و گرفتار مصیبت‌اند (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰: ۲۹).

منابع

۱- آلگونه جونقانی، مسعود (۱۳۹۵). «اومبرتو اکو و بنیان نشانه شناختی تأویل»، *نقد و نظریه ادبی*، سال اول، شمارهٔ ۱، ۲۳ـ۴۷.

۲- اسفندیاری، محمد (۱۳۶۹). «عنوان کتاب و آیین انتخاب آن»، بخش اول، *آیینهٔ پژوهش*، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۲، ۱۱۲ـ۱۱۷

۳- احمدی، بابک (۱۳۹۳). *ساختار و تأویل متن*، تهران: مرکز.

٤- باخرزی، یحیی (۱۳۸۳). *اوراد الاحباب و فصوص الآداب*، به کوشش ایرج افشار، تهران: دانشگاه تهران.

۵- بخیت، فاطمه (۱۳۹۲). *بررسی تطبیقی دلالت عنوان در شعر شش شاعر فارسی و عربی معاصر*، پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

٦- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۹). *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*، تهران: علمی و فرهنگی.

رضی، هاشم (۱۳۷۹). حکمت *خسروانی*، تهران: بهجت.

۷- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳٦۹). *کلیّات سعدی*، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر.

شریفی، محمد (۱۳۸۷). *فرهنگ ادبیّات فارسی*، تهران: نشر نو و معین.

۸- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸٦). *زمینهٔ اجتماعی شعر فارسی*، تهران: اختران، چاپ اول.

۹- ---------- (۱۳۸۸ الف). «ساختار ساختارها»، *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی*، شمارهٔ ٦۵، ۷ـ۱٤.

۱۰- ---------- (۱۳۸۸ ب). *موسیقی شعر*، تهران: آگاه.

۱۱- ---------- (۱۳۹۰). *مصیبت‌نامه*، مقدمه و تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.

۱۲- ---------- (۱۳۹۲). *زبان شعر در نثر صوفیانه*، تهران: سخن.

۱۳- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸٦). *تاریخ ادبیات ایران*، ۵ جلد، تهران: فردوس.

۱٤- صفوی، کورش (۱۳۷۳). *از زبان‌شناسی به ادبیات*، جلد اول نظم، تهران: چشمه، چاپ اول.

۱۵- فتوحی، محمود (۱۳۸۹). «از کلام متمکّن تا کلام مغلوب»، *نقد ادبی*، شمارهٔ ۱۰، ۳۵ـ۶۲

۱۷- ---------- (۱۳۹۲). *سبک‌شناسی: نظریه‌ها، روشها و رویکردها*، تهران: سخن.

۱۸- فخرالزمانی قزوینی، عبدالنبی (۱۳٤۰). *تذکرهٔ میخانه*، تصحیح احمد گلچین معانی، تهران: اقبال.

۱۹- ناصرخسرو (۱۳٦۵). *دیوان ناصرخسرو*، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.

۲۰- نجم‌الدین رازی، ابوبکر عبدالله (۱۳۸۱). *مرموزات اسدی در مزمورات داودی*، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.

۲۱- یارشاطر، احسان (۱۳۹۳). *تاریخ ادبیات فارسی*، جلد ۱، تهران: سخن.